

پیامبر(ص)، اسوه صبر و استقامت

حجت الاسلام والمسلمین رمضان محمدی*

اشاره

رمز موفقیت هر فردی، در گرو ایمان به هدف و استقامت و کوشش در راه رسیدن به آن است. منظور از استقامت که موضوع این نوشته است، استقامت ایمانی است که با بصیرت دینی همراه باشد و بر مدار دستورات الهی و زیر خیمه ولایت انبیا و اولیا باشد؛ زیرا هدفی که انسان به آن ایمان دارد و با بصیرت انتخاب کرده است، نه تنها برایش استقامت می‌کند که برای آن می‌جوشد و هزار راه بسته را می‌گشاید. پرچمدار استقامت، رسول خدا(ص) و یاران ایشان است و طرح این بحث، سبب خواهد شد که پیروان پیامبر(ص)، سیره آن حضرت را الگو قرار دهند.

مفهوم شناسی استقامت

«استقامت» در لغت، به معنای پایداری و ایستادن و مصدر باب استفعال است. این کلمه به صورت مصدری (استقامت)، در قرآن نیامده است؛ اما به صورت‌های اسم فاعلی و فعلی آن مانند: «استقاموا»، «استقم»، «استقیموا»، «استقیما» و «یستقیم» در قرآن تکرار شده است.

در اصطلاح، استقامتی بر مدار دستورات الهی است که در آن هیچ اعوجاجی نباشد. استقامت در دین، به این است که در عقاید، اخلاق و کردار، انحرافی از جاده شریعت صورت نگیرد؛^۱ و به همین معنا است آنچه در قرآن کریم آمده است: «**أَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ**»^۲ و [بدانید] این است راه راست من. پس، از آن پیروی کنید.» به عبارت دیگر، معنای واژه استقامت، صبر در برابر سختی‌ها، ستم‌ناپذیری و تسلیم نشدن در برابر جور و اجحاف، مقاومت و استواری در میدان مبارزه با نفس و تحمل مشکلات و مصائب، بر اساس شریعت است.

جایگاه و اهمیت استقامت

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۱. طیب، سید عبد الحسین، أطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۷۸ش، ج ۱، ص ۱۱۸.

۲. سوره انعام، آیه ۱۵۳.

در فرهنگ دینی، استقامت از جایگاه و اهمیتی ویژه‌ای برخوردار است. ترغیب معنادار مؤمنان به استقامت در برابر دشمنان از ناحیه قرآن و روایات دینی، بیانگر اهمیت آن است؛^۳ به گونه‌ای که بدون آن نمی‌توان در کارزار درونی و بیرونی به پیروزی رسید. خدای متعال بارها از رسولان خود، از جمله از آخرین فرستاده خویش خواسته است که استقامت کنند.^۴ مهم‌ترین علت پیروزی یاران رسول خدا(ص) در میدان‌های کارزار، مانند جنگ: بدر، احد، خیبر و خندق، صبر و استقامت آنان بوده است.

خداوند در آیات فراوانی^۵ به استقامت فرمان داده و آثار بسیاری برای آن ذکر کرده است. فرمان الهی به استقامت رسول خدا(ص) و یاران ایشان، نشان از اهمیت آن دارد. دو نمونه این آیات عبارت است از:

۱. «فَاسْتَقِمُّ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ...»؛ پس، همان گونه که فرمان یافته‌ای، استقامت کن و

همچنین کسانی که با تو به سوی خدا آمده‌اند، [باید استقامت کنند].^۶

۲. «فَلِذَلِكَ فَادُعُ وَاستَقِمُّ كَمَا أُمِرْتَ»؛^۷ آنان را به سوی این آیین واحد الهی دعوت کن و آنچنانکه

مأمور شده‌ای، استقامت نما.»

استقامت رسول خدا(ص) در دعوت به اسلام

رسول خدا(ص) برای رساندن پیام الهی و تمام کردن حجت بر خلق، کوشش طاقت‌سوز و تلاش پایداری را انجام داد؛ به طوری که دعوت حضرت سرافرازانه در برابر گردن کشان کفار قریش قرار گرفت و آنان برنامه‌های کفرآلود خود را در تباهی دیدند. از این رو، بر آن شدند تا به پیام‌آور الهی و مؤمنان ضربه بزنند. به همین منظور، آنان را آماج تهمت‌های گوناگون، استهزا، اذیت و شکنجه‌های سختی قرار دادند؛^۸ تا آنجا که آیات متعددی در باره حالات رسول خدا(ص) هنگام استهزای کافران و فراخواندن آن حضرت به استقامت و بردباری نازل شد.^۹ قلب مبارک رسول خدا(ص) در برابر این سختی‌ها به درد می‌آمد؛ اما به تکلیف خود

۳. سوره بقره، آیه ۲۱۴؛ سوره آل عمران، آیه ۱۳۹ و ۱۴۴؛ سوره انفال، آیه ۱۵ و ۴۵.

۴. سوره هود، آیه ۱۱۲.

۵. از جمله این آیات می‌توان به سوره‌های: سوره فصلت، آیه ۳۰؛ سوره احقاف، آیه ۱۳؛ بقره، آیه ۲۵۱؛ سوره آل عمران، آیه ۱۴۶ و ۱۴۸؛ سوره انفال، آیه ۴۵؛ سوره صف، آیه ۴؛ سوره ممتحنه، آیه ۴؛ سوره یونس، آیه ۷۱؛ سوره یوسف، آیه ۲۳، ۲۵ و ۳۲؛ سوره ابراهیم، آیه ۲۷ و سوره نحل، آیه ۱۰۲ اشاره کرد.

۶. در این آیه، به دلیل منزلت و مقام رسول خدا(ص)، آن حضرت را جداگانه نام برد؛ ولی مقصود از توبه در این آیه، اصل ایمان آوردن است که امر به استقامت در راه ایمان شده است.

۷. سوره شوری، آیه ۱۵.

۸. محمد بن عبدالله، ابن سید الناس، بی‌نا، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۳۲.

۹. برای نمونه، رک: ابن هشام، السیرة النبویة: به کوشش محمد محیی الدین، مصر: مکتبه محمد علی، ۱۳۸۳ق، ج ۱، ص ۱۶ و ۱۷؛ سوره یس، آیه ۳۰.

عمل می‌کرد و در راه ادای تکلیف استقامت می‌ورزید و یارانش نیز به پیروی از او استقامت می‌کردند؛ تا اینکه رسول خدا(ص) در سال دهم بعثت با از دست دادن دو یار و همراه خویش (حضرت ابوطالب و حضرت خدیجه^۸)، فشارهای کفار مکه را بیش از هر زمان دیگری احساس می‌نمودند.^{۱۰} کفار قریش سعی کردند از فرصت فقدان بزرگ‌ترین حامیان پیامبر، بیشترین استفاده را برده و فشارهای بیشتری به آن حضرت وارد کنند. به همین جهت، رسول خدا(ص) و مسلمانان بیش از هر زمان دیگری، تحت فشار اذیت و تبلیغات حساب‌شده و غیر انسانی قریش قرار گرفتند. کفار قریش نخست دعوت پیامبر خدا(ص)، سپس شخص حضرت و بعد مؤمنان را هدف آماج حملات خود قرار دادند تا بتوانند، پیامبر و اسلام نوپا را از پا در آورده و پیروان او را پراکنده سازند.^{۱۱} در این هنگام بود که سوره هود بر رسول خدا(ص) نازل شد و دستور داد که آن حضرت و یارانش به استقامت خود ادامه دهند.^{۱۲}

از ابن عباس نقل شده است: «**مَا نَزَلَ عَلَي رَسُولِ اللَّهِ (ص) آيَةً كَانَتْ أَشَدَّ عَلَيْهِ وَ لَا أَشَقَّ مِنْ آيَةٍ فَاسْتَقِمَّ كَمَا أُمِرَتْ وَ مَنْ تَابَ مَعَكَ؛**^{۱۳} هیچ آیه‌ای بر پیغمبر(ص) شدیدتر و دشوارتر از آیه «استقامت کن آنچنانکه دستور یافته‌ای و همچنین کسانی که با تو هستند»، نبود.» از آن حضرت پرسیدند که چرا به يكباره موهای شما این مقدار سفید شد و نشانه‌های پیری در شما نمایان گشت؟ حضرت فرمود: «**شَيْبَتِي سُوْرَةُ هُوْدٍ لِمَكَانٍ قَوْلِهِ فَاسْتَقِمَّ كَمَا أُمِرْتُ وَ مَنْ تَابَ مَعَكَ؛** سوره هود مرا پیر کرد به جهت این جمله که می‌فرماید: چنانکه امر شده‌ای، خودت و کسانی که با تو بازگشت کرده‌اند، استقامت نما.» سخنان رسول خدا(ص) در باره استقامت، نشان از جایگاه رفیع استقامت و دشواری آن است. آیات قرآن در برخی موارد، شخص رسول خدا(ص) را مورد خطاب قرار داده و امر به پایداری نموده^{۱۴} و گاهی یاران آن حضرت^{۱۵} و در مواردی نیز از همه انسان‌ها^{۱۶} استقامت ایمانی

۱۰. طبرسی، إعلام الوری، تحقیق مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث، قم: مؤسسه آل البيت، چاپ اول، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۵۳؛ هاشم معروف، سیره المصطفی، بیروت: دار التعارف، ۱۴۱۶ق، ص ۱۹۹.

۱۱. اربلی، کشف الغمّة، تبریز: مکتبه بنی‌هاشمی، ۱۳۸۱ش، ج ۱، ص ۳۸۷.

۱۲. در جریان انقلاب اسلامی، استقامت مردم غیور قم و سایر شهرها بود که خداوند متعال پیروزی را نصیب آنان کرد. امروز نیز استقامت حزب الله لبنان و شیعیان بحرین، نمونه‌های بارز استقامت در راه دین به شمار می‌روند.

۱۳. مکارم شیرازی، ناصر، الامثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، قم: مدرسه امام علی بن ابی‌طالب(ع)، ۱۴۲۱ق، ج ۶، ص ۴۵۲.

۱۴. «وَ اسْتَقِمَّ كَمَا أُمِرْتُ.»

۱۵. «وَ مَنْ تَابَ مَعَكَ.»

۱۶. «فَمَا اسْتَقِمُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ.»

را طلب کرده است. البته چنانکه از آیات قرآنی بر می‌آید، خداوند متعال از انبیای قبلی نیز خواسته است که در راه برپایی توحید استقامت کنند.^{۱۷}

ضرورت استقامت امت اسلامی

در اینجا سؤالی مطرح می‌شود مبنی بر اینکه رسول خدا(ص)، اسوه استقامت بود و در راه تبلیغ و ارشاد، جنگ و جهاد، انجام تکالیف الهی و بالاخره در تمام بیست و سه سال زندگی پس از بعثت، پایداری نمود؛ اما چرا با نازل شدن آیه ۱۱۲ سوره هود، آن حضرت فرمود که این آیه مرا پیر کرد؛ در حالی که مشابه این فرمان الهی در سوره شوری آیه ۱۵ نیز آمده بود؟ در پاسخ باید گفت: این بار سخن از «وَمَنْ تَابَ مَعَكَ» نیز بود. برای آنکه پیروزی، پیوسته باقی بماند، باید امت پیامبر نیز استقامت کند و حضرت نگران این امر بود که امت او در مقابل این بار سنگین، مسئولیت شانه خالی نماید. این اصل مسلم است که همیشه نگهداشتن و حفظ دستاوردهای پیروزی، مهم‌تر از به دست آوردن آن است.^{۱۸} ممکن است سربازانی با یورش برق‌آسا سنگری را فتح کنند؛ اما نگهداشتن آن سنگر، نتیجه کار آنان را مشخص می‌کند و از فتح آن، مهم‌تر است. بنابراین، در استقامت حضرت هیچ تردیدی وجود نداشت؛ اما ایشان نگران استقامت امت بود.

امام خمینی^۱ در این باره می‌نویسد: «شیخ عارف کامل شاه‌آبادی - روحی فدا - فرمودند: «با اینکه این آیه شریفه در سوره شوری نیز وارد است، ولی بدون «وَمَنْ تَابَ مَعَكَ»، جهت اینکه حضرت سوره هود را اختصاص به ذکر دادند، برای آن است که خدای تعالی استقامت امت را نیز از آن بزرگوار خواسته است و حضرت بیم آن داشت که مأموریت انجام نگیرد، و الا خود آن بزرگوار استقامت داشت؛ بلکه آن حضرت، مظهر اسم حکیم عدل است.»^{۱۹} سخنان رسول خدا(ص) بعد از نزول آیه، نشان از اهمیت استقامت امت است که بعد از نزول آیه «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ»، حضرت به امت خویش فرمود: «شَمِّرُوا شَمِّرُوا!»^{۲۰} یعنی دامن به کمر زنید، دامن به کمر زنید!» یعنی هنگام کار و تلاش بسیار است و جای هیچ سستی و

۱۷. «فَاسْتَقِمْوا إِلَيْهِ».

۱۸. دلشاد تهرانی، مصطفی، سیره نبوی «منطق عملی»، تهران: انتشارات دریا، ۱۳۸۵ش، ج ۱، ص ۷۲۲.

۱۹. خمینی، روح الله، چهل حدیث، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^۱، ص ۱۷۲.

۲۰. شوکانی، محمد بن علی، فتح القدر، دار الکتب العلمیه، ج ۲، ص ۵۳۲؛ طباطبایی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن، قم: جامعه المدرسین، ۱۴۱۲ق، ج ۱۱، ص ۶۶؛ محمدی ری‌شهری، محمد، میزان الحکمه، قم: دار الحدیث، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۲۶۴۲.

کوتاهی نیست. از آن پس، هرگز حضرت خندان دیده نشد.^{۲۱} گاهی نیز به صورت خصوصی از افراد می-خواست تا مقاومت داشته باشند و می‌فرمود: «رَبِّيَ اللَّهُ؛ ثُمَّ اسْتَقِمُّ.»^{۲۲} یا می‌فرمود: «إِنَّ مِنْ وَرَائِكُمْ أَيَّامَ الصَّبْرِ، الصَّبْرُ فِيهِنَّ كَقَبْضِ عَلَى الْجَمْرِ.»^{۲۳}

برخی از تفاسیر^{۲۴} سخن رسول خدا(ص) را که فرمود: آیه هود مرا پیر کرد، به جهت چهار دلیل و دستور مهمی دانسته‌اند که هر کدام بار سنگینی بر دوش انسان می‌گذارد و آن عبارت است از: استقامت، اخلاص، رهبری مؤمنان و عدم طغیان و تجاوز. بدون به کار بستن این اصول، پیروزی بر دشمنانی که از هر سو از داخل و خارج ما را احاطه کرده‌اند و از تمام وسایل فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی بر ضد ما بهره‌گیری می‌کنند، امکان‌پذیر نمی‌باشد.

رسول خدا(ص)، الگویی تمام‌عیار استقامت است. از این رو، یاران آن حضرت نیز با الهام از او، در عرصه-های مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و تبلیغی، استقامت‌های فوق‌العاده‌ای از خود بروز دادند. حضرت علی(ع) در خطبه ۵۶ نهج البلاغه از مجاهدت‌های مخلصانه صحابه و استقامت و بردباری آنان در برابر ناراحتی‌ها و جهاد سخن گفته است.

عرصه‌های استقامت پیامبر(ص) و اصحاب ایشان

۱. عرصه اقتصادی

شعب ابوطالب، جلوه‌گاه استقامت حیرت‌انگیز اقتصادی رسول خدا(ص) و بنی‌هاشم است. قریش در عرصه‌های سیاسی شکست خورد و نتوانست مهاجران به حبشه را برگرداند و از طرفی نیز با مهاجرت عده‌ای از مسلمانان به حبشه، تعداد مسلمانان در مکه کم شده و فشار قریش بر مسلمانان زیادتر گشت و قریش ضمن فشارهای روحی و روانی و آزار و اذیت‌های فیزیکی، دست به طرح محاصره اقتصادی با هدف ضربه زدن نهایی به بنی‌هاشم زد. حضرت ابوطالب برای حفاظت از رسول خدا(ص) و پایین آوردن فشار قریش، بنی‌هاشم و بنی‌عبدالمطلب را در شعب جمع کرد. از نظر اقتصادی، بنی‌هاشم آن قدر در تنگنا بودند که گاهی مواقع از گیاهان و برگ درختان استفاده می‌کردند و ناله جانکاه فرزندان بنی‌هاشم از

۲۱. دلشاد تهرانی، مصطفی، سیره نبوی «منطق عملی»، پیشین، ج ۱، ص ۷۲۲.

۲۲. محمدی ری‌شهری، محمد، میزان الحکمة، پیشین، ج ۳، ص ۲۶۴۲.

۲۳. بخاری، تاریخ الکبیر، ترکیا: المکتبة الإسلامية، ج ۸، ص ۴۲۶.

۲۴. مکارم شیرازی، ناصر، الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، پیشین، ج ۷، ص ۸۰-۸۲.

بیرون شعب شنیده می‌شد؛^{۲۵} اما با استقامت، فشارهای اقتصادی قریش را تحمل نمودند و بدین‌سان، محاصره اقتصادی قریش را به شکست کشانیدند.^{۲۶}

۲. عرصه نظامی

قریش در تمام جنگ‌هایی که بر ضدّ رسول خدا(ص) به راه انداخت، توانست هم پیمانان خودش را نیز با خود همراه سازد و یورش‌های سنگینی را به مدینه انجام دهد. تعداد نفرات و تجهیزات نظامی رسول خدا(ص) در تمام نبردها، قابل مقایسه با نیروهای قریش نبود؛ اما مسلمانان در سایه‌سار استقامت و رهبری حکیمانه رسول خدا(ص) به چنان پیروزی‌های سرافرازانه‌ای رسید که موجب بهت و عبرت دیگران گشت؛ مثلاً در جنگ خندق رسول خدا(ص) در آغاز حفر خندق، مسلمانان را به تلاش و کوشش فراخواند و به آنان در صورت پایداری و استقامت، وعده پیروزی داد.^{۲۷} استقامت حضرت علی(ع) و برخی دیگر از یاران رسول خدا(ص) در جنگ‌ها، سبب نزول آیاتی از قرآن کریم شد و آنان را صابر و شاکر معرفی کرد.^{۲۸} صحابه با یادآوری استقامت‌های دوران پیامبر، در جنگ‌های بعد از او نیز استقامت می‌کردند. ابوعقیل بن عبدالله که خود در جنگ حنین شرکت داشت، در سال دوازدهم در جنگ یمامه، هنگامی که مسلمانان می‌خواستند عقب‌نشینی کنند، جنگ حنین را یادآور شد و آنان را به استقامت در برابر دشمن فراخواند و خود پس از رشادت‌های فراوان، در حالی که دستانش قطع شده بود، کشته شد.^{۲۹}

جعفر بن ابی‌طالب در میدان جنگ مویه جراحات‌های بسیاری برداشت،^{۳۰} هر دو دست او قطع شد و قبل از شهادتش به منظور نشان دادن پایداری و استقامت و تحریض مسلمانان، اسب خویش به نام سبحة را پی کرد.^{۳۱}

۳. عرصه سیاسی

۲۵. حلبی، علی بن برهان الدین، السیرة الحلبیة، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۱، ص ۳۳۷.

۲۶. طبری، تاریخ الطبری، به کوشش محمد ابوالفضل، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۲، ص ۳۴۳؛ ابن کثیر، البداية و النهایة، به کوشش علی محمد و عادل احمد، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۹۷.

۲۷. واقدی، المغازی، به کوشش مارسدن جونز، بیروت: اعلمی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۴۴۴.

۲۸. کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات، تحقیق محمد کاظم، تهران: وزارة الثقافة و الارشاد الاسلامی، ۱۴۱۰ق، ص ۴۸۱.

۲۹. ابن حبان، محمد، تاریخ الصحابه، تحقیق بوران الضناوی، بیروت: دار الکتب العلمیة، ص ۱۶۹.

۳۰. ابن عبدالبر، ابوعمر و یوسف بن عبدالله بن محمد، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت: دار الجیل، چاپ اول، ۱۴۱۲ق/ ۱۹۹۲م، ج ۱، ص ۲۴۲.

۳۱. مرزوقی، احمد بن محمد، کتاب الازمنة والامکنه، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۷ق، ص ۵۲۰.

نمونه بارز فشارهای سیاسی قریش در مکه، فرستادن عالی‌ترین و حيله‌گرتري مردان سياسي خود به سرپرستي عمرو بن عاص به حبشه است.^{۳۲} آنها با حيله‌گري تمام سعي در بر گرداندن مهاجران حبشه برآمدند؛ اما با درایت و استقامت جعفر بن ابیطالب، هیئت سياسي قریش شکست‌خورده و سرافکنده به مکه برگشت و مهاجران با کمترین امکانات مادي در حبشه ماندند و قریشان نیز وقتی اراده استوار مسلمانان را دیدند، از فشار خود نسبت به منع مهاجرت آنان کاستند.^{۳۳} در مدینه نیز رسول خدا(ص) بعد از تشکیل حکومت، از ناحیه گروه‌های مختلفی در فشار سياسي قرار گرفت و با پیمان شکنی آنان مواجه شد. منافقان و بیماردلان^{۳۴} مدینه از طرفی، و قبایل مختلف یهود نیز از طرف دیگر، با قریش هم پیمان شدند^{۳۵} و آن حضرت را به لحاظ سياسي در تنگنا قرار دادند؛ اما استقامت آن حضرت به همراه یارانش، باعث شد که از همه این بحران‌ها و فشارها عبور نمایند و در نتیجه، پیروز این میدان شوند.

۴. عرصه تبلیغی

رسول خدا(ص) از روزی که به رسالت مبعوث شد، در جهت ابلاغ دین خداوند متعال با سختی‌های فراوانی مواجه شد؛ اما استقامت آن حضرت تا حدی بود که خدای بلندمرتبه فرمود: **«فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ عَلَىٰ آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا»**^{۳۶} شاید، اگر به این سخن ایمان نیاورند، تو جان خود را از اندوه، در پیگیری [کار]شان تباہ کنی.» و در آیه دیگر فرمود: **«مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى»**^{۳۷} قرآن را بر تو نازل نکردیم تا به رنج افتی.»

هنگامی که رسول خدا(ص) دعوتش را آشکار کرد و به نفي بت‌ها پرداخت، سران کافر قریش نزد حضرت ابوطالب(ع) رفتند و از او خواستند که برادرزاده‌اش را از عیب جویی خدایان قریش باز دارد؛ وگرنه به آزار او خواهند پرداخت. وقتی ابوطالب(ع) سخنان سران قریش را با پیامبر در میان گذاشت، حضرت(ص) فرمود: **«لَوْ وُضِعَتِ الشَّمْسُ فِي يَمِينِي وَ الْقَمَرُ فِي شِمَالِي مَا تَرَكْتُ هَذَا الْقَوْلَ حَتَّىٰ**

۳۲. ذهبی، تاریخ الإسلام، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۸۸؛ صالحی شامی، سبیل الهدی، تحقیق عادل

احمد عبدال موجود، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۳۶۳.

۳۳. آیه ۴۱ سوره نحل، به جهت این استقامت مهاجران نازل شد و به آنان وعده بهشت داد.

۳۴. ابن عبدالبر، الاستیعاب، پیشین، ج ۱، ص ۳۸۰.

۳۵. جهت اطلاع از خیانت بنی قریظه، برای نمونه رک: ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۲، ص ۵۷.

۳۶. سوره کهف، آیه ۶.

۳۷. سوره طه، آیه ۲.

أُنْفِدَهُ أَوْ أَقْتَلَ دُونَهُ؛^{۳۸} اگر خورشید را در دست راستم و ماه را در دست چپم قرار دهند، هرگز از

دعوت خود دست برنمی‌دارم؛ تا اینکه آن را انتشار دهم یا در راه آن کشته شوم.»

پس از این استقامت و موضع‌گیری صریح و استوار آن حضرت، ابوطالب که خود نمونه استقامت بود، از آن حضرت خواست به راهش ادامه بدهد. پس از این استقامت شخص رسول خدا(ص)، سران قریش مانند: ابوجهل، ابوسفیان، امیه بن خلف و ابولهب، سخت‌ترین آزارها را به رسول خدا(ص) و یاران ایشان رساندند؛ اما آنان با استقامت تمام در مقابل کفار ایستادند.

نمونه‌هایی از استقامت اصحاب رسول خدا(ص)

۱. استقامت خَبَّاب بن ارت:

خَبَّاب بن ارت، از قبیله بنی‌تمیم بود که شغل آهنگری داشت و در جاهلیت شمشیر می‌ساخت. او در جنگی اسیر شد و شخصی از قبیله خزاعه او را خرید و پس از مدتی آزادش کرد. در همان زمان، خبر دعوت مخفی رسول خدا(ص) را شنید و از نخستین کسانی بود که مسلمان شد. برخی او را ششمین مسلمان و از نخستین کسانی دانسته‌اند که مسلمانان خود را اظهار کرده است.^{۳۹} «خَبَّاب» به جرم مسلمانان و عشق به رسول خدا(ص)، سخت‌ترین شکنجه‌ها را تحمل کرد و در آن دوران سخت، هر چه او را شکنجه کردند، بر استقامت و ایمانش افزوده شد.^{۴۰} در يك روز، هفت بار پیاپی شکم او را سوزاندند. روزی ابوسفیان به خدمتکارانش فرمان داد که آهنی را در کوره سرخ کنند و روی سر خَبَّاب بگذارند. وقتی پیامبر از این ماجرا آگاه شد، او را دعا کرد و فرمود: «خدایا! خَبَّاب را یاری کن.» سردمداران قریش، زرهی آهنین بر او می‌پوشانیدند و او را در آفتاب داغ می‌نهادند تا از ایمان و عقیده خود دست بردارد؛ ولی او در تمام این مدت، استقامت کرد. در باره شکنجه‌های وحشیانه‌ای که بر او رفته، خود گفته است: یکبار آتشی روشن کردند و مرا به پشت روی آن خواباندند و آن قدر صبر کردند تا پوست و گوشتم را سوزاند.^{۴۱} خَبَّاب پس از رحلت پیامبر(ص) در کنار علی(ع) ماند و صادقانه در جنگ‌های آن حضرت به جز صفین که

۳۸. بلاذری، انساب الأشراف، پیشین، ج ۱، ص ۲۳۰.

۳۹. همان، ص ۱۷۶.

۴۰. مقریزی، امتاع الأسماع، به کوشش محمد عبد الحمید، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۰ق، ج ۹، ص ۱۰۸.

۴۱. همان.

سخت بیمار بود، حضور داشت. او در سال ۳۷ هجری به سن ۷۳ سالگی درگذشت. امیر مؤمنان، علی(ع) بر مزار او ایستاد و گریست و برترین توصیف‌ها را در باره‌اش بیان کرد.

۲. استقامت بلال بن رباح حبشی:

نمونه دیگر این استقامت که تاریخ هرگز پایداری و استقامت او فراموش نکرده، استقامت بلال بن رباح حبشی، غلام امیه بن خلف است که زیر آفتاب سوزان مکه، تحت شدیدترین شکنجه‌ها قرار می‌گرفت و به جز فریاد «أحد، أحد»، صدایی دیگر از وی شنیده نمی‌شد. استقامت بلال، چنان اطرافیان را تحت تأثیر قرار می‌داد که ورقه بن نوفل مسیحی می‌گفت: «اگر این بلال در حالی که خدا را می‌خواند، بمیرد، قبر او را زیارتگاه خود قرار داده و به آن تبرک می‌جویم.»^{۴۲}

۳. نمونه‌های دیگر از استقامت یاران رسول خدا(ص):

در منابع تاریخی یاد شده است؛ مانند: عامر بن فهیره، زبیره، أمّ عبّیس،، نَهْدِیّه و دخترش که بردگان شکنجه‌شده قریش بودند.^{۴۳} سران قریش برای بازداشتن تازه‌مسلمانان از اسلام، رفتار کینه‌توزانه‌ای با آنان در پیش گرفتند و گاه استقامت یاران رسول خدا(ص) در برابر شکنجه مشرکان منجر به شهادت آنان می‌شد. استقامت یاسر و سمیه، از وابستگان بنی مخزوم^{۴۴} زیر شکنجه دشمنان، به شهادت آن دو انجامید. ابوجهل، زبیره، کنیز بنومخزوم را چنان شکنجه کرد که نابینا شد؛ ولی او پایداری و استقامت خود را از دست نداد.^{۴۵} اینها، تنها نمونه‌هایی از استقامت یاران آن حضرت در ابتدای بعثت است که هنوز شناخت کافی از اسلام نداشتند.

۴. استقامت علی(ع):

بارزترین و عالی‌ترین نمونه استقامت در بین یاران رسول خدا(ص) ، که توانست استقامت حقیقی را در عمل آشکار کند، پایداری و استقامت حضرت علی(ع) است که در تمام دوران دعوت رسول خدا(ص) مردانه دفاع کرد و نهراسید؛ به‌ویژه در جنگ‌های رسول خدا(ص) با کفار و یهود، اگر نبود استقامت‌های بی‌نظیر و مثال‌زدنی ایشان، اسلام به‌زودی استوار نمی‌گشت و آیین الهی فراگیر نمی‌شد؛ چنانکه

۴۲. ابن اثیر، علی بن محمد الجزری، اسد الغابۀ، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۴۳.

۴۳. ابن قتیبه، المعارف، تحقیق ثروت عکاشة، القاهرة: الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۹۹۲م، ص ۱۷۷.

۴۴. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۲۸؛ سهیلی، التعریف والاعلام، به کوشش محمد علی، طرابلس: کلیة الدعوة الاسلامیة، ۱۴۰۱ق، ص ۱۷۲.

۴۵. بلاذری، انساب الاشراف، پیشین، ج ۱، ص ۲۲۱-۲۲۲.

فداکاری و استقامت ابوطالب نیز در پشتیبانی از رسول خدا(ص) در مکه، مثال‌زدنی بوده است. ابن ابی-

الحدید در این می‌گوید:

فلولا أبو طالبٍ و ابنُهُ

لَمَا مَثَلَ الدِّينُ شَخْصًا فَمَا

فَهَذَا يَمَكَّةَ آوَى وَحَامَى

وهذا يَثْرَبَ شَامَ الحُسَامَا^{۴۶}

«اگر ابوطالب و فرزندش نبودند، هرگز دین اسلام تجسم نمی‌یافت و برپا نمی‌ایستاد؛ آن (ابوطالب)، در مکه پناه داد و حمایت کرد و این (علی(ع))، در مدینه تا پای جان جنگید.»

آثار استقامت

در روایتی، امام صادق(ع) در باره استقامت فرموده است: «جَاءَ جَبْرَائِيلُ(ع) إِلَى النَّبِيِّ(ص) فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَرْسَلَنِي إِلَيْكَ بِهَدِيَّةٍ لَمْ يُعْطِهَا أَحَدًا قَبْلَكَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ(ص) فُلْتُ وَ مَا هِيَ قَالَ الصَّبْرُ؛^{۴۷} جبرئیل(ع) به نزد پیامبر(ص) آمد و گفت: ای رسول خدا، خداوند مرا با هدیه‌ای به سوی تو فرستاده است که چنین هدیه‌ای را به کسی پیش از تو نداده است. رسول خدا(ص) عرض کرد: آن هدیه چیست؟ گفت: صبر و استقامت است.»

بخشی از آثار و پیامدهای این نوع استقامت، در فرهنگ قرآنی عبارت است از:

۱. آنان اهل بهشت‌اند و به سوی آن جایگاه پرشکوه و پر نعمت و زیبا هدایت خواهند شد؛ «أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ.»

۲. و در آن بهشت، همیشه ماندگار خواهند بود و از نعمت‌های بسیار خدا بهره‌مند خواهند گردید؛ «خَالِدِينَ فِيهَا.»

۳. و این نعمت پرشکوه به پاداش عبادت و نیایش و در برابر کارهایی است که شایسته‌کرداران در زندگی خویش انجام می‌دادند؛ «حَزَاءَ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ.»

۴۶. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار احیاء الکتب العربیة، ۱۳۷۸، ج ۱۴، ص ۸۴.
۴۷. صدوق، معانی الأخبار، تحقیق علی أكبر الغفاری، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين، ۱۳۷۹ق/ ۱۳۳۸ش، ص ۲۶۰.

۴. به واسطه این استقامت، ملائکه الهی بر آنها نازل می‌شوند.^{۴۸}
 ۵. ولایت خدای تعالی و ائمه اطهار:.^{۴۹}
 ۶. آرامش و ایمنی از ترس و اندوه.^{۵۰}
 ۷. بهره‌مندی از روزی فراوان و سایر برکات الهی در دنیا.^{۵۱}
 ۸. بهره‌مندی از بهشت جاودان الهی در آخرت.^{۵۲}
 ۹. افزون بر این، دریافت بشارت‌های فرشتگان الهی، پیروزی، رستگاری و محبت الهی نیز از آثار استقامت است که از آیات قرآنی استفاده می‌شود.
- در قرآن کریم برای بیان جایگاه و اهمیت استقامت و تربیت آدمیان بر این اساس، در پنجاه آیه به صبر و پایداری توصیه و تشویق شده و انسان‌های صابر، محبوب حق معرفی شده‌اند و نتایج و آثار شگفت آن نیز یادآوری شده است.^{۵۳} از جمله این موارد می‌توان به آیات سوره‌های: رعد، آیه ۳۴؛^{۵۴} نحل، آیه ۹۶^{۵۵} و سجده، آیه ۲۶^{۵۶} اشاره کرد. قرآن کریم همچنین شرط نصرت و پیروزی را صبر و استقامت معرفی می‌کند.^{۵۷}

علاوه بر قرآن، در روایات دینی در منزلت کسانی که استقامت ایمانی داشته باشند، آمده است:

«يَا ابْنَ جُنْدَبٍ لَوْ أَنَّ شِيعَتَنَا اسْتَقَامُوا لَصَافَحْتَهُمُ الْمَلَائِكَةُ وَ لَأَظْلَمَهُمُ الْغَمَامُ وَ لَأَشْرَفُوا نَهَارًا وَ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَ لَمَا سَأَلُوا اللَّهَ شَيْئًا إِلَّا أَعْطَاهُمْ»^{۵۸} ای پسر جندب، اگر شیعیان ما استقامت بورزند، فرشتگان با آنان مصافحه می‌کنند و [به هنگام آفتاب] ابرها بر سرشان سایه می‌اندازند و روزهای‌شان آفتابی می‌شود (یعنی باران نیز شب می‌

۴۸. سوره فصلت، آیه ۳۰: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ...»

۴۹. کوفی، تفسیر فرات، پیشین، ص ۵۰۹.

۵۰. سوره فصلت، آیه ۳۰: «أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا.»

۵۱. سوره جن، آیه ۱۶: «وَأَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا.»

۵۲. سوره فصلت، آیه ۳۰: «وَأَبَشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ.»

۵۳. دلشاد تهرانی، سیره نبوی «منطق عملی»، پیشین، ج ۱، ص ۶۷۱.

۵۴. «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ.»

۵۵. «وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ.»

۵۶. «وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا.»

۵۷. سوره انفال، آیه ۵: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا.»

۵۸. حرانی، تحف العقول، به کوشش علی اکبر غفاری، قم: نشر اسلامی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۰۲.

بارد تا روز آنها آفتابی باشد) و از بالای سر و زیر پا برایشان روزی می فرستد و هیچ درخواستی از خدا نمی کنند، مگر اینکه به آنها عطا می کند.»

در روایت دیگری آمده است: «وَلَوْ أَنَّ شَيْعَتَنَا اسْتَقَامُوا لَأَسْمَعْتَهُمْ مَنْطِقَ الطَّيْرِ.»^{۵۹}
امام صادق(ع) فرموده: «إِنَّ أَهْلَ الْحَقِّ لَمْ يَزَالُوا مُنْذُ كَانُوا فِي شِدَّةٍ أَمَا إِنَّ ذَلِكَ إِلَيَّ مُدَّةٌ قَلِيلَةٌ وَ عَافِيَةٌ طَوِيلَةٌ؛^{۶۰} اهل حق، پیوسته در سختی بوده‌اند؛ اما بدان که سختی، مدتی کوتاه دارد و عاقبت کار، با آسایش طولانی همراه است.»

عوامل استقامت

استقامت نیز مانند هر مسأله دیگری، ممکن است عوامل و موانعی داشته باشد. عواملی مانند: یاد خدای تعالی،^{۶۱} یادآوری پاداش استقامت و پایداری در جهاد با دشمنان،^{۶۲} مزده به بهشت از سوی فرشتگان،^{۶۳} یادآوری امدادهای الهی مانند آنچه در جنگ بدر و حنین اتفاق افتاد،^{۶۴} ایمان^{۶۵} و توکل به خدای تعالی،^{۶۶} شب‌زنده‌داری،^{۶۷} دعا و نیایش، آگاهی و بصیرت و نیز توجه و تمسک به قرآن کریم، موجب استقامت مؤمنان شود. در این میان، شاید عامل بصیرت از ارزش و اهمیت بیشتری برخوردار باشد و به همین دلیل، در روایات آمده است: «لَا يَحْمِلُ هَذَا الْعِلْمَ إِلَّا أَهْلُ الْبَصْرِ وَالصَّبْرِ؛ پرچم دین را نمی‌تواند حمل کند و این بار سنگین را به دوش بکشد، مگر کسی که همراه استقامت ایمانی، بصیرت دینی را هم داشته باشد.»

۵۹. ابن حمزه طوسی، محمد بن علی، الثاقب فی المناقب، تصحیح علوان، نبیل رضا، قم: انصاریان، ۱۹۱۹م، ص ۱۷۷.

۶۰. کلینی، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۵۵.

۶۱. سوره انفال، آیه ۴۵: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا.»

۶۲. سوره آل عمران، آیه ۱۴۶.

۶۳. سوره فصلت، آیه ۳۰.

۶۴. سوره انفال، آیه ۱۱.

۶۵. سوره آل عمران، آیه ۱۳۹.

۶۶. سوره آل عمران، آیه ۱۲۲.

۶۷. سوره مزمل، آیه ۵-۱۰.